



دیدگاه

شماره: ۸۳۳		موضوع : کنترل بحران ارزی با افزایش نرخ ارز یا با افزایش نرخ بهره؟
تاریخ: ۱۳۹۷/۰۳/۲۸		
تهیه و تنظیم: دکتر محمدرضا رفعتی		
توضیح اجمالی:		
در ماه‌های اخیر بازار ارز در کشور عمدتاً به دلایل ناشی از تلاطم‌های سیاسی در داخل و خارج و احتمال خروج آمریکا از برجام و نیز شکنندگی سیستم بانکی و خروج سرمایه از کشور، با بحران روبه‌رو بوده است. واکنش دولت نسبت به این بحران، همانند چهاردهه اخیر، در قالب افزایش قیمت رسمی ارز و اعمال مقررات و محدودیت‌های ارزی ظاهر گردید. تک نرخی شدن قیمت دلار در نرخ ۴۲۰۰۰ ریال در مقایسه با نرخ های رایج در سال ۱۳۹۶ به مفهوم افزایش نرخ موثر واقعی دلار است که با ثابت فرض کردن سایر شرایط می‌تواند به افزایش صادرات غیر نفتی، کاهش واردات، افزایش تورم، افزایش تولید و افزایش درآمدهای دولت از محل فروش ارز منتهی شود. سرمایه‌گذاری به دلیل امکان افزایش سرمایه‌گذاری دولتی می‌تواند افزایش یابد اما به دلیل گرانی ماشین آلات وارداتی این افزایش می‌تواند خنثی شود. افزایش تورم زمینه ساز افزایش آتی قیمت دلار خواهد شد. اگر به جای افزایش قیمت دلار، نرخ بهره افزایش پیدا می‌کرد، به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش پس انداز، نرخ تورم و رشد تولید کاهش می‌یافت و احتمالاً صادرات غیرنفتی و واردات نیز تقلیل پیدا می‌کرد. دولت درآمد کمتری به دست می‌آورد و هزینه‌های عمرانی دولت نیز کاهش می‌یافت. در مقابل، خروج سرمایه از کشور تقلیل می‌یافت و با کاهش نرخ تورم، زمینه کمتری برای افزایش آتی قیمت دلار به وجود می‌آمد.		
نکات کلیدی:		
۱ - اهداف دولت در اعمال سیاست‌های ارزی جدید، به کنترل بازار ارز محدود نمی‌شود و اهداف دیگری مانند کنترل تورم، رشد تولید و صادرات غیرنفتی، جلوگیری از خروج سرمایه و مدیریت واردات را نیز تعقیب می‌کند. به عنوان نمونه برای کنترل تورم، پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز برای واردات کالاهای اساسی در نظر گرفته شده است و برای مدیریت واردات و جلوگیری از خروج سرمایه نیز سامانه ارزی نیما راه‌اندازی گردیده است. ۲ - به دلیل اثرات متفاوت سیاست‌های فوق بر اهداف موردنظر، اعمال همزمان این سیاست‌ها می‌تواند از شدت اثرات منفی هریک از آن‌ها بکاهد و دستیابی به اهداف مورد نظر را تسهیل نماید. ۳ - دیگر کشورهای جهان نیز در شرایط مشابه از هر دو سیاست بهره گرفته‌اند. تجربه ترکیه در دهه‌های گذشته نمونه‌ای از این مدعا است. ۴ - چگونگی ترکیب این دو سیاست و میزان افزایش در هر یک از آن‌ها، تابع شرایط و اهداف مورد نظر است. به عنوان نمونه، اگر اهداف اصلی کنترل تورم و نرخ ارز و جلوگیری از خروج سرمایه باشد، افزایش نرخ بهره نقش اصلی را خواهد داشت. اما اگر رشد صادرات غیرنفتی و تولید و مدیریت واردات مدنظر باشد، افزایش نرخ ارز نقش اصلی را ایفا خواهد کرد. ۵ - در هر حال، ترکیب این دو سیاست، کارآمدتر از به کارگیری انفرادی هریک از آن‌ها خواهد بود. این نکته‌ای است که در بحران‌های ارزی چهار دهه گذشته مورد غفلت واقع شده است.		
تأیید کار گروه دیدگاه:		تأیید رئیس موسسه: